

از مطهری قم تا مطهری تهران؛ بازخوانی یک الگوی مغفول در

پاسخ‌گویی به شبهات

استاد علی‌اکبر رشاد*

چکیده

پاسخ‌گویی به شبهات دینی و فکری از دیرباز یکی از کارکردهای اصلی حوزه‌های علمیه بوده است؛ با این حال، تحولات سریع اجتماعی و گسترش ابزارهای ارتباطی نوین، ضرورت بازنگری در روش‌ها، ساختارها و رویکردهای این عرصه را دوچندان ساخته است. استاد علی‌اکبر رشاد در دیدار مدیران و پژوهشگران مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات، به بررسی آسیب‌شناختی وضعیت کنونی پاسخ‌گویی به شبهات پرداخت. در این نشست، ضمن اشاره به جهش علمی حوزه در پرتو انقلاب اسلامی، از فاصله‌گیری ساختار آموزشی حوزه از نیازهای نسل جوان انتقاد شد و این مسئله به عنوان آفت اصلی کارآمدی پاسخ‌گویی مطرح گردید. رویکرد الگویی «مطهری تهران» که مبتنی بر حضور میدانی در دانشگاه‌ها و گفت‌وگو با نسل جدید است، به عنوان راهنمای عملیاتی تحول در این عرصه معرفی شد. راهکارهای پیشنهادی شامل بازنگری بنیادین در نظام آموزشی حوزه، طراحی مشوق‌های پژوهشی هدفمند برای پاسخ‌گویان به شبهات و پیگیری ساختاری این موضوع در سطوح عالی تصمیم‌گیری حوزوی است.

واژگان کلیدی: پاسخ‌گویی به شبهات، حوزه علمیه، نسل جوان، شهید مطهری، تحول آموزشی.

*. علی‌اکبر رشاد عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، بنیان‌گذار و رئیس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، rashad.iict@gmail.com.

مقدمه

خدا را شاکریم که در چنین شرایطی متولد شدیم. در ایران متولد شدیم، در تشیع ایرانی، زیر پرچم جمهوری اسلامی و تحت رهبری امام شهیدان پرورش یافتیم. در میدان بودیم و هستیم و از خداوند متعال سپاسگزاریم که منحرف نشدیم. ان شاء الله که این توفیقات ادامه یابد.

این موهبت‌ها غالباً خارج از ارادهٔ ماست؛ از سر عنایت الهی نصیب انسان می‌شود؛ تصادفی نیست. دعای پدر و مادر، یا کار خیری که نیاکان و بزرگان ما انجام داده‌اند، می‌تواند زمینه‌ساز این توفیقات باشد. ما در معرض فرصت‌های ارزشمند قرار گرفته‌ایم و باید شاکر باشیم که چنین نسلی هستیم.

قیمت حضور در محضر رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را نداریم، اما در این برهه تاریخی، در این شرایط سیاسی و اجتماعی، در این جغرافیا، انقلاب اسلامی به وجود آمد. اگر بخواهیم موهبتات و برکات این انقلاب را بشماریم، حتی صرفاً فهرست‌نویسی آن، خود کتابی حجیم خواهد شد. غرق در اقیانوس نعمت‌هایی که ادراک آن برایمان ممکن نیست. واقعاً حال ما حال ماهی در آب است؛ درک نمی‌کنیم چه اتفاقی برایمان افتاده است.

شرایطی که طی قرون متمادی، شاید میلیون‌ها انسان آرزوی آن را داشتند، رایگان در اختیار ما قرار گرفت. این همه نعمت، حاصل انقلاب و تحولی است که در تاریخ بی‌نظیر است. هرچند ما هنوز در مقیاس وسیعی از نیازها و زمان، عقب‌تر از آنچه باید باشیم، اما تحولات رخ داده در این ۴۰ تا ۵۰ سال واقعاً کم‌نظیر است. اگر بخواهیم با مسامحه سخن بگوییم، باید بگوییم دست‌کم به اندازه ۵۰۰ سال پیشرفت داشته‌ایم. اگر کسی با دقت بنشیند و تاریخ حوزه را تحلیل کند، میزان جهش‌های علمی در هر دهه یا قرن را اندازه بگیرد و با اکنون مقایسه کند، به روشنی می‌بیند که این جهش، قابل قیاس با گذشته نیست. باین‌حال، ما همچنان در عرصه پاسخگویی به نیازهای جامعه و شبهات، عقب هستیم.

روایت پیشرفت و کاستی‌ها

الان فضای حوزه با گذشته تفاوت بسیاری کرده است. من به یاد دارم که در قم، مؤسسه‌ای در گذر بین «مدرسه خان» و «گذر خان» بود که مرحوم آقای زمانی نجف‌آبادی آن را اداره



می‌کرد. یک اتاق کوچک، یک نفر. ایشان مجله پیام اسلام را منتشر می‌کرد و به هزاران سؤال و شبهه پاسخ می‌داد. یادم هست که آمار سؤالات رسیده به حدی بالا بود که تردید می‌کنم درست یادم مانده باشد یا نه، اما واقعاً رقم‌های بسیار بزرگی بود. یک پست داشتند و یک نفر با کمترین امکانات، بدون بودجه، بدون پشتیبانی مالی، بدون حق‌التحقیق و مأموریت رسمی، تنها با احساس مسئولیت، پاسخگوی همه بودند.

من خود از ۱۲ سالگی با همان مجله همکاری می‌کردم و در آن مقاله می‌نوشتیم. فضای آن روز را خوب به یاد دارم. غیر از ایشان، کسی در این میدان نبود. البته ایشان فیلسوف مصطلح نبودند، اما استاد کلام، پرانگیزه و مخلص بودند. مجله تشیع هم منتشر می‌شد که ما درک چندانی از آن نداشتیم. بعد از آن، مجله مکتب اسلام آغاز به کار کرد. در آن زمان جمعیت ایران ۱۶ میلیون نفر بود و این مجله ۱۰۰ هزار نسخه چاپ می‌شد؛ یعنی هر نسخه به دست چند نفر می‌رسید و دست‌کم ۵۰۰ هزار نفر آن را می‌خواندند. همه می‌خریدند، می‌خواندند و به دیگران هم می‌دادند. حوزه مجله دومی نداشت.

آن روزها تعداد نویسندگان حوزه به ۱۵ تا ۲۰ نفر نمی‌رسید. افرادی مانند آیت‌الله مکارم، آیت‌الله سبحانی، شهید مطهری، آقایان حقانی و عمید زنجانی از جمله این عده بودند، اما امروز، آمارها نشان می‌دهد بیش از ۷۴۵۰ مجله در کشور منتشر می‌شود. فارغ از این‌که تأثیرگذاری آن یک مجله در گذشته چقدر بود و تأثیر مجلات امروز چقدر است، تفاوت فاحش است. در اواخر دهه ۴۰ و نیمه اول دهه ۵۰، شهید مطهری ظهور کرد و مباحث جدید را وارد میدان کرد؛ هم به شبهات پاسخ می‌داد و هم با جریان روشنفکری آن زمان مانند شریعتی مواجه می‌شد.

البته در کنار این‌ها، اقدامات ابتکاری دیگری هم انجام می‌شد؛ مثلاً کتابچه‌های جیبی تولید می‌شد که آقای خرازی و دیگران این ابتکار را داشتند. یک دستگاه کوچک، دو اتاق، چند نفر و کمک‌های خیران، آن هم در حدی که حق‌الزحمه بدهند، اما همین چند نفر، در آن زمان بسیار مؤثر بودند و حجم عظیمی از پاسخگویی را انجام می‌دادند.

پس از انقلاب، به برکت نظام، نهادهای متعددی در این عرصه شکل گرفتند. الان حدود ۲۶ مؤسسه در این زمینه فعالیت می‌کنند که امیدوارکننده است، اما کافی نیست. حجم

شبهات، سؤالات و ابهاماتی که مطرح شده، بسیار بالاست. استفاده از ابزارهای جدید و چندرسانه‌ای کار بسیار خوبی است که شما دارید انجام می‌دهید، اما صرف کتاب نوشتن پاسخ‌گو نیست. کتاب‌ها با این گرانی به دست مخاطب نمی‌رسد. قلمرو این کار نیاز به تحول، طراحی و بازنگری جدی دارد.

من معتقدم باید نشست‌هایی برای مشورت و رایزنی برگزار شود و از صاحب‌نظران پرسید که «چه کنیم؟ چگونه انجام دهیم؟ قالب‌ها را چه کنیم؟ دسترسی‌ها را چگونه تسهیل کنیم؟» و مهم‌تر این‌که چگونه فضلا را برانگیزیم؟ متأسفانه الان حوزه دچار یک آفت شده: به فضلا وظایف و چهارچوب‌های مشخص می‌دهند و همان را انجام می‌دهند، اما دیگر کسی نمی‌آید تا آزادانه و با انگیزه، پاسخ شبهات را بنویسد. در دهه محرم، از همکاران خواستیم به شهرستان‌ها بروند و منبر بروند، اما می‌گویند: «ما از قم خارج نمی‌شویم». این در حالی است که تولید معرفت عمیق در مرزهای دانش اتفاق می‌افتد و خوب هم هست، اما از سوی دیگر سبب شده که از میدان واقعی و مردم کوچه و بازار فاصله بگیریم. ما زبان گفت‌وگو با جوانان را بلد نیستیم. کسی را به یاد دارم که از چهره‌های فرهنگی تهران نقل می‌کرد که از او خواسته بودند برای نوجوانان یک بیمارستان صحبت کند، گفته بود: «من آن قدر سواد ندارم که با این بچه‌ها حرف بزنم!» ما هم همین مشکل را داریم. اگر بخواهیم با همین ادبیات قلمبه‌سلمبه برویم میان مردم، به دردشان نمی‌خورد. توده مردم و به‌ویژه جوانان، بیش از هر کسی به این مطالب محتاج‌اند، اما ما زبانشان را بلد نیستیم و نمی‌توانیم ذهنشان را بخوانیم.

این خلأ را اگر نهادهای حوزوی پر نکنند و پاسخ به شبهات را جزو وظایف عمومی طلاب قرار ندهند، مشکل همچنان باقی خواهد ماند. خوشبختانه در سنجش‌نامه‌های پژوهشی، تا ۳۰ درصد امتیاز به پاسخ‌گویی به شبهات اختصاص داده شده است. این بسیار خوب است، اما کافی نیست. باید سازوکارهایی طراحی کنیم تا همه طلاب پای کار بیایند. الان ظرفیت حوزه بسیار بالاست. در گذشته ۴۰ یا ۶۰ نفر بیشتر نویسنده نداشتیم، اما امروزه چندین هزار نفر قلم می‌زنند. جهت‌گیری‌ها ممکن است همچنان نیازهای امروز را پاسخ ندهد، اما این ظرفیت عظیم را باید به سمت نیازهای واقعی جامعه سوق دهیم.

یکی از کارهای ارزشمند، تأسیس «کانون اندیشه جوان» در پژوهشگاه بود که به مسائل جوانان می‌پردازد و آثار زیادی برای دانشجویان و طلاب تولید کرده است؛ مثلاً ۷۰ جلد کتاب در مورد مهارت‌های طلبگی، چگونگی مواجهه با معترض در خیابان، نحوه مدیریت اعتراضات، چگونگی تعامل با تشکلهای دانشجویی و...

آفت فاصله‌گیری از متن جامعه و زبان نسل جوان

این کارها تقریباً درست شروع شده است، اما متأسفانه ساختار آموزشی حوزه طوری است که از ابتدا طلبه را به سمت سطوح عالی و خارج سوق می‌دهد. همه می‌خواهند عضو هیئت علمی پژوهشگاه شوند یا مدرسه‌ای تأسیس کنند که حتماً سطح ۳ و ۴ داشته باشد. کسی نمی‌خواهد در کف بماند، درحالی‌که بیشترین نیاز و بیشترین مخاطب در همان سطوح ابتدایی است. آموزش سطح یک، تخصص و مهارت خاص خود را می‌طلبد و نباید به‌عنوان پله‌ای برای عبور دیده شود. ما باید برای مقدمات، مجوزهای خاص بدهیم و به مدیران متخصص در این حوزه توجه کنیم.

این موارد را باید به شورای عالی حوزه منتقل کرد. می‌شود این وضعیت را مدیریت کرد؛ هم با تعریف وظایف جدید و هم با دادن امتیازات تشویقی. در رتبه‌بندی پژوهشی حوزه، به آثاری که پاسخ‌گوی شبهات هستند باید امتیاز ویژه داد. یا مثلاً در برخی دستگاه‌ها، به رساله دکتری بیشتر از تحقیق یک استاد اهمیت می‌دهند، درحالی‌که باید از تجارب دانشگاهی برای تقویت این جنبه‌ها بهره گرفت. خلاصه این‌که باید از تمامی اهرم‌های موجود برای جهت‌دهی به این حرکت استفاده کنیم.

الگوی مطهری تهران؛ میراثی که همچنان نیاز امروز است

اجازه دهید خاطره‌ای از رهبر شهید انقلاب برایتان نقل کنم. یک‌بار که خدمت ایشان رسیدم، فرمودند: «یادت هست پژوهشگاه چطور تأسیس شد؟ شهید مطهری پاسخ‌گوی شبهات بود، نظریه‌ها را نقد می‌کرد و نظریه مقابل تولید می‌کرد. بعد از شهادت ایشان، جای خالی‌اش حس شد و خلأ ایجاد گردید. برای پر کردن این خلأ، پژوهشگاه تأسیس شد». سپس ایشان جمله بسیار مهمی فرمودند که چندبار از ایشان شنیدم: «ما دو تا مطهری

داشتیم؛ یک مطهری قم و یک مطهری تهران». ایشان توضیح دادند که مطهری قم، در برابر نظریه‌های وارداتی غربی، مطالب عمیق و فلسفی تولید می‌کرد، اما مطهری تهران، در دانشگاه‌ها و میان دانشجویان حضور می‌یافت و پاسخ‌گوی سؤالات و شبهات آنان بود. سپس فرمودند: «هنوز هم که هنوز، کتاب‌های مطهری تهران نیاز روز جامعه را برطرف می‌کند و به آن‌ها احتیاج داریم». من این توصیه را از ایشان گرفتم که پژوهشگاه باید شأن «مطهری تهران» را داشته باشد. به همین دلیل، مرکز یا کانونی برای تولید محتوای اختصاصی برای جوانان و دانشجویان ایجاد کردیم. از دفتر رهبری هم برای این کار، حتی یک ریال پول نمی‌گیریم؛ این کار ناشی از مذاق و توصیه خود ایشان است.

تداوم راه شهیدان

همان‌طور که رهبر شهید انقلاب در مسجد کرامت مشهد، با وجود محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های فراوان، بعد از نماز می‌نشست و با جوانان صحبت می‌کرد و قرآن تفسیر می‌نمود، باید این میراث گرانبها را ادامه دهیم. ایشان در آن سال‌های سخت، ارتباطی بسیار گسترده و زنده با نسل جوان داشتند. ما نیز باید از این مسیر بزرگواران پیروی کنیم و فرجامان را به فرجام شهید مطهری گره بزنیم.